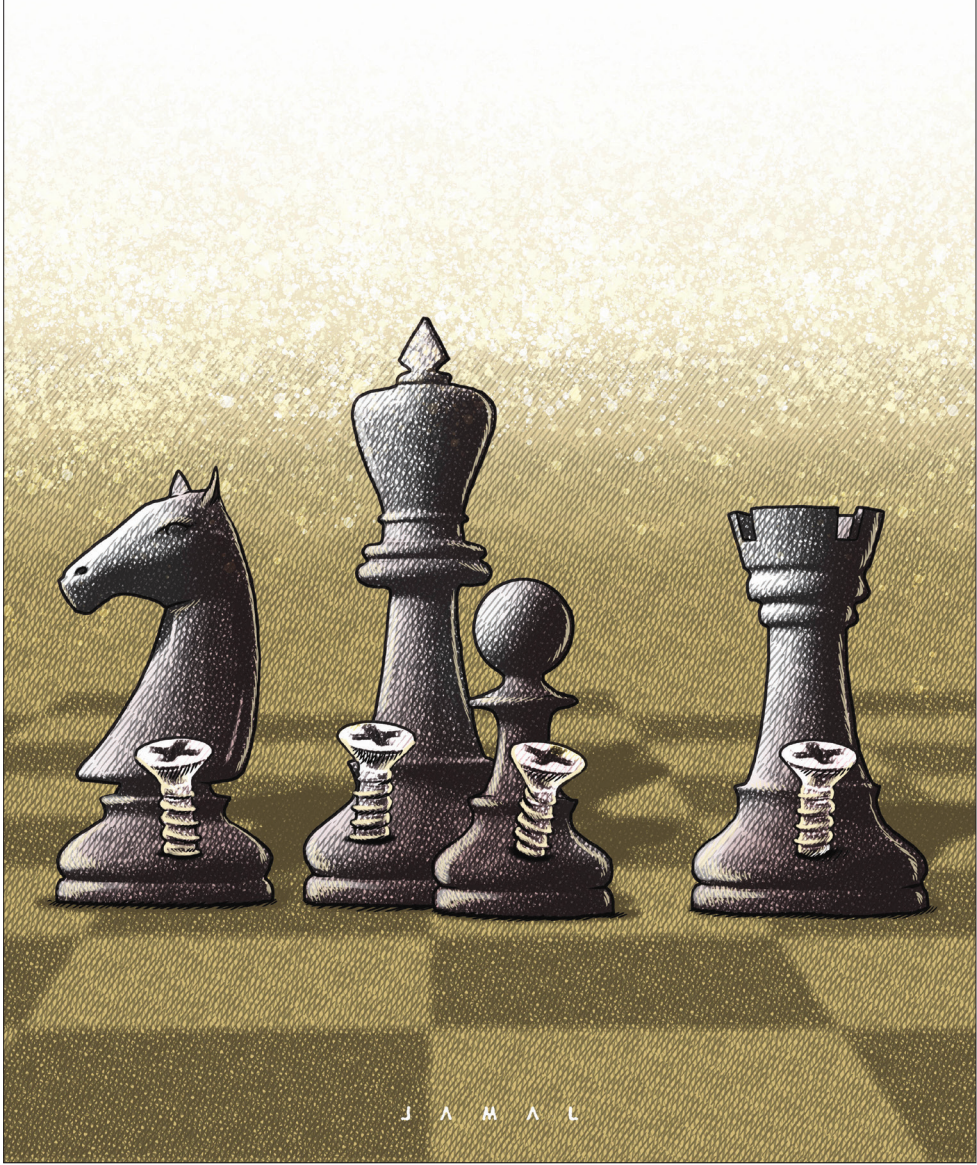




سیاست‌های غیر منعطف!



جمال رحمتی

بخشیدن کار هر دلی نیست

درباره عکسی از اهدای اعضای بدن یک پرستار به ۵ بیمار

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار



می‌خواهم حرف‌گفته‌تر از دهانم بزنم، اینجا غریبه‌ای نیست، اگر حرفم به دل‌تان نشست‌نوش جانتان. اگر نه هر چه در دل نتگنان هست‌نثارم کنید و تهش به بزرگ‌واری خودتان ببخشید. پس بدون هیچ‌رودرباستی می‌نویسم که من از جمله «نه می‌بخشم و نه فراموش می‌کنم» بدم می‌آید. نه‌تنها بدم می‌آید که از شنیدنش که‌کیر می‌زنم، می‌خواهم بگویم که از دل این جمله چیزی جز نکبت و کینه بیرون نمی‌آید. کسی که نه می‌بخشد و نه فراموش می‌کند عملاً در موضعی ایستاده که راهی برای آشتی و صلح باقی نمی‌گذارد، مابه حکم انسان بودنمان خطاکاریم پس ممکن است خطایی از ماسر بزن‌دو عملاً پشیمان باشیم، بنابراین اگر راهی برای جبران یا برگشتن وجود نداشته باشد دنیا جای قشنگی نمی‌شود، نه‌تنها جای قشنگی نمی‌شود که اصلاً سنگ روی سنگ بند نمی‌شود، چون همه ما خطاکاریم و نیازمند بخشش، نبخشیدن و فراموش نکردن یعنی آدمیزاد بار سنگین و تلخ و زخم عمیقی را باز نگه دارد و بهی با آنها ور برود و خودش را نابود کند. یعنی آدم‌ناخواسته برای خودش زندانی بسازد و خودش را در آن نکبت زندانی می‌کند.

بخشیدن البته مراتب دارد، یک وقتی هست که شما به رفیقی پدی می‌کنید و آن رفیق چشم‌بر بدی شما می‌بندد و می‌بخشد، یعنی آن رفیق از بدی کردن در برابر بدی شما یا انتقام گرفتن صرف‌نظر می‌کند. این اولین مرتبه بخشش است، اما برای ورود به مرحله اولی‌تر باید که علاوه بر بخشیدن، دل خودش را هم از کینه و تقار پاک کند، در حقیقت با این کار درون خودش را از بار سنگین رنج‌رها می‌کند. اگر اینگونه کند نور علی نور است، در مرحله بالاتر آدمیزاد نه‌تنها می‌بخشد که یک‌پله بالاتر شروع به نیکی کردن و محبت هم می‌کند... به این نوشته و بر شمردن یک به یک انواع بخشش نگاه نکنید، می‌دانم که بخشیدن کار آسانی نیست، گاهی وقت‌ها لشکر کینه و دشمنی چنان در اعماق دل آدمیزاد جا خوش می‌کند که با «هیلتی» هم‌کنده نمی‌شود. اصلاً خیلی وقت‌ها تو دلت می‌خواهد که ببخشی اما هزار مانع و رادع جلوی چشم و دلت می‌ایستد و از گذشتن دورت می‌کند، بخشیدن، کار هر دلی نیست، کار دل‌های بزرگ است، درباره بخشیدن و بخشش و انواع و اقسامش تا قیام قیامت می‌شود حرف زد، اما گاهی آدمیزاد در زندگی با صحنه‌هایی مواجه می‌شود که خودش را بابت تمام نبخشیدن‌ها ملامت می‌کند، برای شخص من مواجهه با انسان‌هایی که اعضای بدن خود و عزیزانشان را می‌بخشدن بالاترین مرتبه بخشش است، یک جوهرایی بخشش از سر عشق و معرفت، به عکس‌های اهدای اعضای بدن سمیرا جعفری، پرستار بیمارستان سینا، نگاه می‌کنم، به بزرگی روح و معرفتشان درود می‌فرستم و می‌گویم شما بخشیدی، اما ما فراموش نمی‌کنیم.



عکس: علی معصومی، ایسنا

چاه اسنپ‌بک

یا چاه قطعنامه؟

درباره نتایج رئالیسم جادویی در سیاست خارجی



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، این روزها مظلوم‌ترین مکتب فکری در جهان علوم سیاسی است، چرا که هر کس در ایران امروز می‌خواهد روی عملکرد منفی تندروها در حوزه سیاست خارجی خاک بریزد، آن را به اسم واقع‌گرایی یا رئالیسم فاکتور می‌کند. البته آنچه آن‌ها به عنوان رئالیسم می‌شناسند، در واقع رئالیسم جادویی است؛ جایی که مرزهای واقعیت و خیال محو می‌شود و عناصر جادویی در دنیای واقعیت‌ها رژه می‌روند. آن‌ها برخی اصول واقع‌گرایی مثل ایجاد ابزار قدرت یا بازدارندگی را در دست گرفتند اما در واقع ابزار قدرت به نحوی که آن‌ها فکر می‌کردند، وجود نداشت. در حالی که مشغول شمشیر زدن با شمشیرهای نامرئی بودند، طرف مقابل هم ایران را تحریم می‌کرد و انقدر صبور بود که بنشیند و اثر گذاشتن این تحریم‌ها را با مرور زمان تماشا کند.

در آن زمان، نگاه اعلامی این بود که شورای امنیت دارد در امور ایران دخالت می‌کند و این که قطعنامه‌ها کاغذپاره هستند و تحریم‌ها تأثیری ندارند. از یک طرف ایران تحت تحریم‌های آمریکا و سپس اروپا قرار می‌گرفت و از سوی دیگر، شورای امنیت سازمان ملل حلقه تحریمی خود را تنگ‌تر می‌کرد. اما نکته این بود که با خزانه پر و البته تحریم‌هایی که اثر خود را به مرور زمان نشان می‌دادند و اثرشان در ابتدا فوری نبود، شاید طبیعی‌ترین کار برای این جماعت همین واکنش‌ها بود. چون هر چه در افکارشان بیشتر غوطه‌ور می‌شویم، بیشتر می‌فهمیم چقدر با واقعیت‌های جهان غریبه هستند. تصورشان این است که جهان بر مدار ما می‌چرخد یا اینکه در یک فضای خلأ و خالی از دیگر بازیگران، هر آنچه خواستیم انجام می‌دهیم و هیچ کس هم نمی‌تواند با ما کاری داشته باشد. حتی اگر کاری داشته باشد هم مهم نیست. چون حق با ماست، ایرادی ندارد. در واقع تصورشان این است که ما با این ابزارها خیلی از اقدامات را می‌توانیم انجام دهیم بدون این که نگران عواقب آن باشیم. همان تفکری که ایران را در چاه معرفی به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌الملل انداخت. تفکری که البته هنوز هم نمی‌گوید ما اشتباه کردیم که بر مبنای تصورمان از فروپاشی نظم پس از جنگ جهانی دوم پیش رفتیم و فکر کردیم در دنیای بسافروپاشی، قرار است یک‌ه‌تاز باشیم. برای همین چارچوب‌های ظالمانه اما حاکم بر جهان را بدون ضرورت واقعی زیر پا گذاشت و گرفتار شد.

خاطر‌تان هست زمانی که ایران به این چاه افتاد، چه تصویری از خود نشان می‌داد؟ کشوری خارج از چارچوب‌ها که قصد دارد مدیریت جهان را دست‌خوش تغییر کند، احتمالاً اگر ایران در آن دوره تا این حد خود را بر برخی سیاست‌های دیگر مُصر نشان نمی‌داد، تا این اندازه روی نقطه فشار هسته‌ای و تا حدی موشکی اش دست نمی‌گذاشتند. اسرائیل یک رژیم آپارتاید است و در آن شکی نیست ولی نباید زاویه نگاه را از ایران به کشورهای مقابل تغییر دهیم. اسرائیل حکومتی با این مختصات است، دست به برخی ماجراجویی‌ها می‌زند و تن به چارچوب‌ها نمی‌دهد، نباید آن را تیرئه کرد. اگر موضوعات را از همین زاویه نگاه کنیم، عجیب نیست که چین و روسیه هم در آن دوران به تحریم و کنترل ایران رای منفی نمی‌دادند. آن کنش‌ها اگر رخ نمی‌داد، ایران در این چاه نمی‌افتاد.

برجام بیشترین چیزی بود که ایران توانست در حوزه هسته‌ای دریافت کند. غنی‌سازی اش به رسمیت شناخته شد و امتیازاتی داد و امتیازاتی گرفت. روندی که کار نکردن آن و از بین رفتنش، تابع اقدامات موثر عوامل داخلی و خارجی بود. مرده آن هم ایران را ۱۰ سال از چاه قطعنامه‌ها بیرون آورد. اگر ایران به صورت غیرضروری در این چاه و تله امنیتی‌سازی نیفتاده بود، اسنپ‌بکی وجود نداشت که بخواهد ما را بار دیگر نگران کند که ذیل فصل هفتم چه اتفاقاتی برای کشور رخ خواهد داد. با توجه به تحریم‌های یکجانبه ایران از سوی آمریکا، اثر اقتصادی این قطعنامه‌ها کم‌تر از گذشته ارزیابی می‌شود. اما در هر صورت، ایران به یک کشور تحت تحریم‌های شورای امنیت تبدیل خواهد شد که بسیاری از اقدامات علیه آن مشروع است. حتی اگر در بسیاری مسائل حق با ایران باشد. چون اصولاً در نظام بین‌الملل حق کارکردی ندارد. منطق زور کارساز است و البته آن زوری که واقعاً وجود داشته باشد نه این که ما تصور کنیم از آن بهره‌مند هستیم. ایران از ابتدا نباید درگیر این قطعنامه‌ها و شورای امنیت می‌شد که حالا نگران شرایط پس از بازگشت آن‌ها باشد.

میان مردم و نظام را از دیگر توهمات دشمنان و مزدورانشان خوانده و گفتند: «ملت اما با ایستادگی در کنار نظام، نیروهای مسلح و دولت مشت محکمی به دهان همه آنها زد.» ایشان قدرت‌نمایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را باعث تغییر معادلات خواندند و افزودند: «ما و همه ملت ایران از کار بزرگ نیروهای مسلح تشکر می‌کنیم و پس از این نیز روز به روز بر قدرت توانایی ایران و نیروهای مسلح آن افزوده خواهد شد.» آیت‌الله خامنه‌ای جمع‌بندی دشمن از حوادث اخیر را ناتوانی در از به رانند در ایران یا جنگ و حمله نظامی دانسته و گفتند: «جمهوری اسلامی با وجود این دشمنی‌ها در ۴۵ سال گذشته هر روز قوی‌تر شده و دشمن هم دریافته است که راه عقب راندن جمهوری اسلامی، بکارگیری ابزار و وسایل خشن نیست بلکه باید در داخل کشور اختلاف و نفاق ایجاد کند.» ایشان عوامل داخلی آمریکا و صهیونیسم در گوشه و کنار کشور و گویندگان و نویسندگان غافل را عاملان ایجاد اختلاف و چندصدایی برشمرده و افزودند: «امروز بحمدالله مردم متحدند و با وجود اختلاف سلیقه سیاسی و اجتماعی، برای دفاع از نظام و کشور و ایستادگی در برابر دشمن یکپارچه‌اند که این اتحاد مانع تجاوز و تعرض دشمنان است و به همین دلیل هم در پی نابود کردن این وحدت هستند.» رهبر انقلاب صیانت از اتحاد ملی را وظیفه‌ای همگانی دانستند و گفتند: «اتحاد مقدس، اجتماع عظیم و سپر پولادین دلها و اراده‌های مردم نباید مخدوش شود و حفظ آن وظیفه اهل بیان و قلم و تحقیق، کسانی که توثیق می‌زنند و همه مردم و مسئولان کشور به‌خصوص مسئولان قوای سه‌گانه است که بحمدالله آنها نیز امروز در کمال اتحاد و همدلی با یکدیگر کار می‌کنند.» ایشان حمایت از خدمتگزاران کشور را ضروری خوانده و افزودند: «مردم از خدمتگزاران از جمله رئیس‌جمهور که پرکار، بر تلاش و پیگیر است حمایت کنند؛ چرا که از چنین عناصری باید قدرشناسی کرد.» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظ اتحاد بین «آحاد مردم با یکدیگر»، «مردم و دولت»، «آحاد مسئولان نظام با یکدیگر» و «مردم و نیروهای مسلح» را ضرورتی قطعی برشمردند و افزودند: «علائم و قرائن حاکی از آن است که امروز بیشترین تلاش دشمن بر خدشه‌دار کردن این همصدایی و همدلی و همکاری است.» ایشان با تأکید بر اینکه وجود نظرهای گوناگون در مسائل مختلف هیچ اشکالی ندارد، گفتند: «اهل فکر توجیه‌کنند که ارائه‌فکری نو که مکمل موجودی ملت باشد یا تخریب و اهانت کردن متفاوت است و نباید مبانی جمهوری اسلامی را که باعث رشد ملت و ارتقاء کشور و قدرت ملی است تخریب کرد. این کار خواست دشمن است اگر چه تکمیل مبانی اشکالی ندارد.» رهبر انقلاب رژیم صهیونیستی را منفورترین رژیم و حکومت دنیا نزد ملت‌ها خواندند و تأکید کردند: «امروز حتی دولت‌های غربی همچون انگلیس و فرانسه هم که همواره حامی رژیم صهیونی بودند آن را محکوم می‌کنند؛ البته این محکومیت‌ها زبانی‌وبی‌فایده است.» ایشان جنایات کنونی رؤسای رژیم صهیونیستی همچون قتل کودکان به وسیله گرسنگی و تشنگی دادن و به‌رگبار بستن آنها در صف غذا را در تاریخ بشر بی‌سابقه خوانده و افزودند: «در مقابل این جنایات منزجرکننده باید ایستاد؛ البته ایستادگی بازبان و محکومیت‌فایده‌ای ندارد، بلکه باید همچون اقدام مردم شجاع یمن کاری کرد که راه‌های کمک به رژیم صهیونیستی از همه طرف بسته شود.» آیت‌الله خامنه‌ای در پایان با اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای انجام هر اقدام ممکن در این زمینه، ابزار امیدواری کردند خداوند متعال با برکت دادن به حرکت ملت ایران و همه حق‌خواهان عالم، ریشه این سرطان عمیق و مهلک را از منطقه بکند و ملت‌های مسلمان را بیدار و با یکدیگر متحد سازد.

▼ موضع دستگاه دیپلماسی

وزارت امور خارجه هم طی هفته‌های گذشته مخالفت ایران با تمدید اسنپ‌بک را در موضع گیری‌های مختلف انعکاس داده است. وزارت امور خارجه می‌گوید کشورهای اروپایی صلاحیت قانونی، حقوقی و اخلاقی برای به کارگیری این مکانیسم را ندارند. جمعه هفته گذشته، تماس تلفنی میان سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه و همتایانش از بریتانیا، فرانسه و آلمان به همراه مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا برگزار شد. در خبر رسمی مربوط به جزئیات این کنفرانس تلفنی آمده است: «وزیر امور خارجه کشورمان با تأکید بر عدم صلاحیت قانونی و اخلاقی این کشورها برای توسل به سازوکار مزبور، نسبت به عواقب چنین اقدامی هشدار داد. عراقچی تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران همان‌طور که در دفاع از خود مقتدرانه عمل می‌کند، مسیر دیپلماسی را نیز هیچ‌گاه ترک‌نکرده و برای هر راه‌حل دیپلماتیک که حقوق و منافع مردم ایران را تضمین نماید آمادگی دارد. وزیر امور خارجه در واکنش به تکرار ایده طرف‌های اروپایی برای تمدید قطعنامه ۲۲۳۱ با هدف فراهم کردن زمان بیشتر برای دیپلماسی، تصریح کرد این تصمیمی است که اساساً شورای امنیت سازمان ملل متحد باید اتخاذ کند و جمهوری اسلامی ایران در عین اینکه مواضع و دیدگاه‌های اصولی خود را در این خصوص دارد، در این فرآیند ورود ندارد.» در این تماس مقرر شد که معاونین وزرای امور خارجه سه‌شنبه هفته جاری یک جلسه گفت‌وگو برگزار کنند.

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه هم دوشنبه هفته گذشته ۲۷ مرداد- درباره موضوع تمدید این قطعنامه، با اشاره به نامه سه کشور اروپایی به شورای امنیت که روز ۲۴ مرداد ثبت شده بود، گفت: «این نامه پاسخی است به نامه وزیر امور خارجه ما به شورای امنیت و کشورهای اروپایی درباره غیرقانونی بودن استفاده از سازوکار ماشه برای بازگرداندن تحریم‌ها، کشورهای اروپایی استدلالات خود را مطرح کرده‌اند که از نظر ما کاملاً مردود است و ایران هیچ برنامه‌ای برای تمدید این سازوکار ندارد.»

▼ مواضع متفاوت تحلیلگران

ناظران و تحلیلگران نظرات متفاوتی نسبت به موضوع اسنپ‌بک و بازگشت قطعنامه‌های ایران دارند. گروهی از آنان معتقدند که ایران نباید با تمدید موافقت کند و اجازه دهد که کشورهای اروپایی و غرب این اهرم را بالای سر ایران نگه دارند. در این حالت، این مکانیسم اجرایی می‌شود و باید برای شرایط بعد از آن آماده شد. میانگین نظرات آن‌ها این است که رویه‌روشن با ماشه بهتر از تمدید آن است. در نقطه مقابل، ناظرانی هستند که اعتقاد دارند ایران نباید ذیل فصل هفتم منشور برگردد و در این مسیر باید تمام تلاش خود را به کار ببندد. چرا که با توجه به تحریم‌های یکجانبه و سنگین آمریکا علیه ایران در تمام حوزه‌ها، این قطعنامه‌ها آثار اقتصادی محدودتری نسبت به قبل دارند اما به بر خورد با ایران مشروعیت می‌بخشند. چرا که با بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد، ایران بار دیگر به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی شناخته می‌شود.